



بیانات در دیدار صدها تن از زنان فرهیخته و فعال کشور - 14 دی/ 1401

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

امروز جلسه‌ی بسیار خوشایند و مفید و ان شاء الله دارای سود فراوانی برای آینده‌ی ما، برای فکر ما اینجا تشکیل شد. من خیلی خرسندم از اینکه این جلسه را توانستیم امسال تشکیل بدهیم. سال گذشته، خانمها یک نامه‌ای نوشتند، اعتراض کردند که چرا روز زن را شما به [دیدار] مدّاحها اختصاص دادید؛ درست است؛ اشکال واردی است. و خوب، [برای تشکیل این جلسه] روز زن خصوصیتی ندارد، همین حول و حوش ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) [خوب است]؛ حالا اگر زنده بودیم، در آینده هم ان شاء الله این جلسه را تشکیل می‌دهیم.

این جلسه تا الان، تا این لحظه یک جلسه‌ی زنانه‌ی محض و مشحون از مفاهیم برجسته و عالی بوده. صحبت‌هایی که خانمها کردند، بسیار خوب بود و حقیقتاً بنده بهره بردم. البته تأیید این مطالب با یک بار شنیدن، آن هم تندتند و پشت این بلندگو بیان کردن، ممکن نیست. انسان باید تأمل کند، فکر کند؛ لذا حتماً این نوشته‌ها را به من بدهید - آن خانمی هم که بدون نوشته صحبت کردند، ایشان هم همان حرفها را بنویسند؛ هم دقتش بیشتر خواهد بود، هم فرصت تأمل و تدبّر به ما خواهد داد - تا من این مطالب را بدهم یک جمعی روی آن فکر کنند، مطالعه کنند؛ پیشنهادهایی بود، ان شاء الله بتوانند راه‌حلی برای آن پیشنهادها پیدا کنند. شاید بعضی از این مطالب مثلاً مرتبط بشود به شورای انقلاب فرهنگی؛ در آنجا باید مطرح بشود یا هر جای دیگری. بخصوص این موضوع به کارگیری زنان فرزانه‌ی ما، کارآمد ما، مجرب ما، دانشمند و عاقل و فهمیده‌ی ما در رده‌های گوناگون تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور؛ این مطلب مهمی است. البته ذهن بنده به این قضیه مشغول است؛ باید یک راهی برایش پیدا کنیم؛ باید یک مسیری ان شاء الله پیدا کنیم، ببینیم چه کار میشود کرد. خوب، شما امروز خیلی از مطالب خوب را از این خانمها شنیدید. فراموش نکنم از این سرودی هم که بچه‌ها خواندند، تمجید کنم که واقعاً جای تمجید دارد؛ هم شعرش بسیار خوب بود، هم آهنگش بسیار خوبی بود، هم خیلی خوب اجرا شد. من از همه‌ی اینها تشکر می‌کنم.

بنده امروز درباره‌ی مسئله‌ی زن چند نکته‌ای را می‌خواهم بیان کنم - چند نکته‌ی مهمی به نظر خودم - شاید قبلاً هم بعضی از این نکات را ما گفته‌ایم یا شماها بعضی گفته‌اید، لکن اینها تأکید بشود، خوب است. من قبلاً این را به شما دختران دانشور ایران که اینجا حضور دارید و همه‌ی کسانی که این صحبتها را می‌شنوند بگویم که در مسئله‌ی زن، موضع ما در قبال مدّعیان ریاکار غربی، موضع مطالبه است، موضع دفاع نیست. یک وقتی سالها پیش دانشجویها در دانشگاه از من پرسیدند که شما در فلان قضیه چه دفاعی از خودتان دارید؟ گفتم من دفاعی ندارم؛ من هجومی دارم. در قضیه‌ی زن این جور است؛ دنیا مقصّر است. «دنیا» که می‌گویم یعنی همین دنیای غرب و فلسفه‌ی غربی و فرهنگ غربی موجود؛ البته غرب متجدّد و به قول خودشان مدرنیته؛ من غرب تاریخی را کاری ندارم، آن بحث دیگری است. غرب متجدّد یعنی همین که از حدود دویست سال پیش به این طرف در همه‌ی شئون زندگی یک حرفی ابراز کرده؛ ما در قبال اینها مطالبه‌کننده‌ایم، اینها نسبت به مسئله‌ی زن جداً گناهکارند، مقصّرند؛ ضربه زدند، جنایت کردند. بنابراین صحبت‌هایی که ما می‌کنیم جنبه‌ی دفاع ندارد، جنبه‌ی بیان نظر و عقیده‌ی اسلامی و موضع



اسلامی است. حتی اگر این مطالبی را که درباره‌ی مسئله‌ی زن و موضوع زن مطرح میکنیم و بحمدالله میبینم که امثال شماها خانمهایی که صحبت کردند کاملاً مسلطند به این مسائل، تکرار نکنید، بیان کنید، امید این هست که بتوانید روی افکار عمومی غربی‌ها هم واقعاً اثر بگذارید؛ چون واقعاً زنهای آنها در رنجند؛ جامعه‌ی زن غربی، امروز در یک رنج ناخودآگاه در مواردی، و آگاه در یک موارد دیگری است؛ روی آنها هم ممکن است اثر بگذارید.

یکی از آن نقاطی که من میخواهم عرض بکنم، نگاه اسلام به مسئله‌ی جنسیت و به مسئله‌ی زن است که نظر اسلام نسبت به مسئله‌ی زن و مرد چیست. من حالا مختصری میگویم، تبیین و تفصیل و تفریع (۲) فروعش با شماها است که دنبال کنید، تحقیق کنید، کار کنید. درباره‌ی نظر اسلام این‌جوری میشود گفت که اسلام در ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، «انسان» را مورد نظر دارد؛ زن و مرد هیچ خصوصیتی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ تساوی زن و مرد در زمینه‌ی ارزشهای انسانی و اسلامی جزو مسلمات اسلام است؛ در این هیچ تردیدی نیست. در آیه‌ی قرآن و در دنباله‌ی همین آیاتی که اینجا تلاوت شد، این‌جوری میفرماید: *إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِتِينَ وَالْقَائِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ*؛ ده خصوصیت عمده را ذکر میکند برای مرد و زن، که همه [در اجر] یکسانند؛ *أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا*. (۳) نگاه اسلام این است. یا در یک آیه‌ی دیگر [میفرماید]: *أَنْتِ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى*؛ (۴) تفاوتی ندارند. یعنی از لحاظ ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست. نگاه اسلام به زن و مرد، نگاه به انسان است؛ [هیچ کدام] خصوصیتی ندارند.

البته وظایف متقابل زن و مرد نسبت به یکدیگر مختلفند اما تعادل وجود دارد. شارع مقدس در قرآن در سوره‌ی بقره [میفرماید]: *وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ*؛ (۵) آن مقداری که حق برای آنها هست، همان مقدار حق، علیه آنها هست، یعنی بر آنها هست. یک چیزی متعلق به آنها است، به همان میزان یک چیزی متعلق به طرف مقابل است، [یعنی] بر دوش آنها و تکلیف آنها است. یعنی هر وظیفه‌ای که به کسی محول شده، در قبالش یک حقی وجود دارد. هر امتیازی به هر کدام داده شده، در مقابلش یک وظیفه‌ای وجود دارد؛ تعادل کامل. این هم در مورد حقوق زن و مرد. بنابراین حقوق و وظایف یکسان نیست اما متعادل است – که حالا یکی از خانمها هم اشاره کردند در صحبت‌هایشان به همین معنا – و روی این کار شده، مطالعه شده؛ و حالا تفصیلش را در همان کتابها و نوشته‌ها و مانند اینها میتوانید ببینید.

در نگاه به مسئولیت‌پذیری‌ها، اینجا تکیه بر ویژگی‌های طبیعی زن و مرد است. یک تفاوتی بین زن و مرد، یعنی طبیعت زنانه و طبیعت مردانه وجود دارد. هم در جسم، هم در روح و در مسائل معنوی، یک تفاوتی وجود دارد؛ مسئولیتها متناسب با آن تفاوتها است. این تفاوتها تأثیر دارد در نوع مسئولیت‌هایی که متوجه به زن یا مرد است؛ این مربوط به طبیعت زنانه یا طبیعت مردانه است. هیچ کدام نبایستی چیزی بر خلاف طبیعت خودشان [انجام بدهند]. این مردی که در شیوه‌ی رفتار و آرایش صورتش و بقیه‌ی چیزهایش تشبیه به زن میکند، آن زنی که در رفتارهایش، در گفتارهایش، در حرکت‌هایش، تشبیه به مرد میکند اشتباه میکند؛ هر دو اشتباه میکنند. این در [مورد] تکالیف شخصی و به اصطلاح مسئولیت‌های گوناگونی بود که در محیط خانه و محیط بیرون و مانند اینها وجود دارد.

اما در مورد وظایف اجتماعی، تکالیف زن و مرد یکسان است. نقشها مختلف است اما تکالیف یکسان است. یعنی هم



زن، هم مرد برایشان جهاد واجب است منتها جهاد مرد یک جور است، جهاد زن یک جور دیگر است. یعنی مثلاً در همین دفاع هشت‌ساله، زنها هم مکلف بودند، تکلیف داشتند؛ تکلیفشان را هم خوب عمل کردند. زنها در این مدت اگر بهتر از مردها عمل نکرده باشند، حداقل به اندازه‌ی مردها عمل کردند. اگر کتابهایی را که در مورد [نقش] بانوان هست در دوره‌ی دفاع مقدس نخوانده‌اید، بخوانید؛ کتابهایی نوشته شده. الحمدالله حالا به فکر این چیزها هستند، جوانهای خوب ما [اینها را] فراهم میکنند. فرض بفرمایید همین شرح‌حال‌هایی که مربوط به همسران شهدا است؛ گمان نمیکنم شما بتوانید یکی از این شرح‌حال‌ها را بخوانید و در مدت خواندن این، ده بار اشک نریزید؛ امکان ندارد! یعنی انسان میبیند جهاد این زن را؛ مرد رفته در میدان اما این [زن] دارد جهاد میکند؛ جهاد بر هر دوی آنها واجب است. امر به معروف و نهی از منکر، هم بر زن واجب است، هم بر مرد واجب است، منتها تقسیم نقش شده؛ نقشها یکسان نیست. این نگاه اسلام است نسبت به زن و نسبت به مرد در عرصه‌های مختلفی که من عرض کردم. خب این، هم یک نگاه مترقی است، هم عادلانه است: زن در جای برجسته‌ی خود، مرد هم در جای برجسته‌ی خود، و هر دو برخوردار از امتیازات قانونی، فکری، نظری و عملی؛ بر خلاف نظام ارزش‌گذاری و سرمایه‌داری غرب؛ البته همان طور که عرض کردم، غرب متجدد مورد نظر من است.

اصلاً نظام سرمایه‌داری غرب یک نظام مردسالار است؛ یعنی آن چیزی که آنها نسبت به اسلام میگویند و غلط میکنند و خلاف واقع میگویند، عیناً در مورد خودشان صادق است؛ چرا؟ ریشه‌ی این نگاه هم این است که در نظام سرمایه‌داری، سرمایه بالاتر از انسانیت است؛ و انسانها در خدمت سرمایه قرار میگیرند. خب هر انسانی که بیشتر بتواند سرمایه‌آوری کند، سرمایه‌اندوزی کند، ارزشش بیشتر است. مرد گردن کلفت‌تر است، قوی‌تر است؛ [استخراج] معادن طلا و جواهرات و الماس و غیره در آفریقا و در آمریکا و آمریکای جنوبی و مانند اینها را مردها [انجام میدادند]؛ مدیریتهای کلان اقتصادی و تجاری و مانند اینها را مردها انجام میدادند؛ بنابراین مرد اولویت دارد بر زن در نظام سرمایه‌داری؛ چون رجحان سرمایه بر انسان، در مورد مرد بیشتر صادق است. خب، حالا که بنا شد سرمایه جایگاه انسانها را تعیین بکند، انسانها دیگر یکسان نیستند، طبعاً مختلفند. بعد گفتیم بر طبق این نگاه سرمایه‌سالاری، جنس مرد طبعاً بالاتر از جنس زن است. لذا شما می‌بینید در نظام سرمایه‌داری دو جور از زن سوء استفاده میشود: یکی در مورد خود کار؛ این یکی از این نکات مهم است. حالا این خانمی که گفتند در غرب بودند، در این نکات، ایشان قاعدتاً خوب مطلعند، واردند؛ در کتابها و جاهایی هم که اطلاعات عمومی هست، میتوانید پیدا کنید. همین الان در بسیاری از کشورهای غربی، مزد زن برای کار مشابه با مرد، کمتر از مرد است، یعنی همان کار مرد را به زن محوّل میکنند، مزد کمتری میدهند؛ چون ضعیف‌تر است، چون زورپذیرتر است؛ این [جور] است. این یک جور سوء استفاده است. یک علت اینکه در قرن نوزدهم و بعد، قرن بیستم – بیشتر قرن نوزدهم – مسئله‌ی آزادی زن مطرح شد، برای این بود که زنها را از خانه بیرون بکشند، ببرند کارخانه، با مزد کمتر از آنها استفاده کنند.

اینجا من یک پرائتز باز کنم؛ عین همین قضیه در مورد آزادی سیاهان در آمریکا اتفاق افتاد در جنگهای داخلی آمریکا در ۱۸۶۰ – یعنی تقریباً صد و شصت سال پیش که در آن جنگهای داخلی چندساله‌ی آمریکا [طی] چهار سال، بیش از یک میلیون کشته دادند؛ بین شمال و جنوب جنگ بود – که دنباله‌ی این جنگها مسئله‌ی آزادی غلامان، آزادی بردگان سیاه‌پوست مطرح شد. در جنوب، کشاورزی بود، در شمال صنعت بود. جنوب مرکز بردگان بود، برده‌ها بیشتر در جنوب بودند که کشاورزی میکردند، شمالی‌ها احتیاج داشتند به کارگر ارزان، به این سیاه‌ها احتیاج داشتند؛ جنجال آزادی برده‌ها را شمالی‌ها شروع کردند. شما اگر این کتاب رمان کلبه‌ی عمو تام را خوانده باشید، می‌بینید؛ این تقریباً مال دویست سال پیش است؛ این کلبه‌ی عمو تام، نوشته‌ی نزدیک دویست سال قبل [است]؛



مال همان وقتها است. آنها را تشویق میکردند، از اینجا فرار میکردند، آن طرف میبردند؛ برای چه؟ برای اینکه آزاد باشند؟ نه، برای اینکه کارگر ارزان لازم داشتند؛ کارگر ارزان! تقلب حضرات متمدن غربی در مسائل گوناگون از این قبیل است. حالا البته امثال و نظایر زیاد دارد.

بنابراین یکی اینجا بود که به زن ضربه زدند و او را وارد میدان کار کردند برای اینکه خرج کمتری بکنند، هزینه‌ی کمتری به عهده بگیرند، پول کمتری بدهند؛ یکی هم چون مرد جنس برتر است، زن وسیله‌ی التذاذ مرد قرار بگیرد. البته برای من سخت است؛ درباره‌ی این قضیه حرف زدن در همه‌ی مجالس واقعاً برایم سخت است، بخصوص مجلس زنانه، لکن واقعیتی است؛ چه کار کنیم؟ همه کار کردند برای اینکه بتوانند زن را قانع کنند که امتیاز او به نوع رفتاری است که جذابیتهای جنسی او را برای مرد بیشتر کند؛ همه‌ی تلاش را کردند. این داستان خیلی غم‌انگیزی است؛ من در این زمینه‌ها خیلی چیزها خوانده‌ام که واقعاً آدم نمیتواند [بیان کند]. در یکی از مجلات آمریکایی - هفت، هشت، ده سال قبل از این برای من آوردند - یک سرمایه‌دار آمریکایی خیلی برجسته که مثلاً ده‌ها رستوران زنجیره‌ای خیلی مدرن و پیشرفته و زیبا و مانند اینها داشت، اعلان کرده بود که استخدام میکند؛ چه کسی را؟ دختران جوان را؛ زنهای جوان را با این خصوصیات که ذکر کرده؛ یکی از این خصوصیات این است که اینها باید حتماً لباسشان، دامنشان، از زانو فلان مقدار بالاتر باشد؛ عکسش را هم انداخته بودند که باید این جور باشد! یعنی ببینید، برنامه‌ریزی برای تجارت، برای صنعت، برای زندگی متعارف در کوچه و خیابان جوری است که مرد هوسباز و هوسناک بتواند خودش را با چشم، با غیر چشم اشباع کند! خب، اینها واقعاً کرامت زن را شکستند؛ اینها حرمت زن را شکستند. بدترین قضیه هم همین است که اشاره کردم: کار را به جایی برسانند که خود زن - زن جوان یا دختر جوان - صلاح خودش را در این ببیند که جوری ظاهر بشود که از جنبه‌ی جنسیتی بتواند نظر مرد را به خودش جلب کند! حالا کدام مرد را؟ مردی که در کوچه خیابان دارد راه میرود. رساندن زن به این نتیجه، بزرگ‌ترین ضربه‌ای بود که اینها به زن وارد کردند. و حالا دیگر قضایای فراوانی دارد که خیلی از آنها را شماها شاید میدانید و خوانده‌اید.

خب، نتیجه‌ی این نگاه مردسالاری چه شد؟ وقتی که مرد در تمدن غربی، جنس برتر است و تمدن، تمدن مردسالار است، نتیجه این است که زن سعی میکند الگوی خودش را مرد قرار بدهد و مرد میشود الگوی زن؛ زن دنبال کارهای مردانه حرکت میکند؛ نتیجه این است. ببینید اینجا یک آیه‌ی قرآن هست که یکی از خانمها هم به نظرم اشاره کردند، [البته] آیه را نخواندند اما به نظرم منظور همین آیه بود. آیه‌ی شریفه میفرماید: *ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ ثَوْحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ*؛ برای کفار، دو زن الگو هستند؛ دو زن کافر، نمونه و الگوی زنان کافرنند: زن نوح و زن لوط که اینها به شوهرهایشان خیانت کردند؛ *فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُما مِنَ اللَّهِ شَيْئًا*؛ (۶) شوهرها با اینکه پیغمبر بودند، دیگر به درد اینها نمیخوردند، فایده‌ای برایشان ندارند. این مال کافران. بعد [میفرماید]: *وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ*. (۷) دو زن را الگو قرار میدهد برای همه‌ی انسانهای کافر، دو زن را الگو قرار میدهد برای همه‌ی انسانهای مؤمن؛ اعم از زن و مرد. یعنی اگر همه‌ی مردان عالم میخواهند مؤمن باشند، الگویشان دو زن هستند: یکی زن فرعون، یکی حضرت مریم. *وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ*؛ در اوج نجابت و عفت؛ همان خانمی که موجب شد وقتی موسی را از آب گرفتند، به قتل نرسانند؛ لا تقتلوه، (۸) [گفت] او را نکشید؛ بعد هم ایمان آورد به حضرت موسی، بعد هم زیر شکنجه به قتل رسید. این الگو است. [و الگوی دیگر] «و مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» که حالا در مورد حضرت مریم (سلام الله علیها) «الَّتِي أَحْصَتَتْ فَرْجَهَا» (۹) که عفت خودش را حفظ کرد، ما متأسفانه اطلاعات زیادی نداریم که قضیه چه بوده؛ قضایایی حول و حوش حضرت مریم بوده که این بزرگوار با کمال قدرت مقاومت کرده و دامن پاک خودش را حفظ کرده، و تا آخر قضایا که میدانید. یعنی درست نقطه‌ی مقابل تمدن غربی که مرد را



الگو قرار میدهد، در قرآن زن را الگو قرار میدهد؛ نه فقط برای زنان بلکه برای همه‌ی انسانها؛ چه در زمینه‌ی کفر، چه در زمینه‌ی ایمان.

خب، آن وقت وقاحت غرب اینجا ظاهر میشود؛ اینها با این همه ضربه‌ای که به زن و به حیثیت زن و به کرامت زن وارد آورده‌اند، خودشان را پرچمدار حقوق زن وانمود میکنند! یعنی اینها از [قضیه‌ی] حقوق زن در دنیا دارند استفاده میکنند؛ یعنی واقعاً این نهایت وقاحت است. حالا یک وقت کسی از یک جاهایی یک اطلاعات پنهانی دارد، یک وقت نه، خیلی آشکار است که دیگر واقعاً اسم نمیخواهم بیاورم؛ آدم خجالت میکشد اسم بیاورد از این چیزی که سال گذشته راه افتاد بین زنهای غربی و تعرضهای جنسی و مانند اینها. با همه‌ی اینها، باز میگویند ما طرفدار زن هستیم، طرفدار حقوق زن هستیم! آن چیزی که در زبان بی‌تقوای غربی‌ها به عنوان آزادی زن نامیده میشود اینها است. اینکه میگویند آزادی زن، مرادشان آزادی به این معنا است؛ [در نظرشان] اینها آزادی است؛ [اینها] که آزادی نیست؛ عین اسارت است، عین اهانت است.

متأسفانه در داخل، ما دیر به این نقاط رسیدیم، یعنی خیلی از این حرفها بعد از انقلاب برای ما روشن شد، و الا قبل از انقلاب، حتی بعضی از بزرگان تصوّرشان این بود که این آزادی ارتباط زن و مرد در غرب، موجب میشود که چشم و دل مردها سیر بشود و دیگر تخلفات جنسی انجام نگیرد؛ تخلفاتی که گاه‌به‌گاه گوشه و کنار انجام میگرفت، وقتی چشم و دل مردها سیر شد، دیگر این تخلفات جنسی انجام نمیگیرد؛ این جوری فکر میکردند! حالا شما نگاه کنید ببینید که چشم و دل اینها سیر شده یا حرصشان صد برابر شده با این تعرضهای جنسی‌ای که انجام میگردد؟ دائم دارند میگویند. در محیط کار، در کوچه و بازار، در همه جا، حتی در تشکیلات منظم و آهنینی مثل ارتش – که زنها هم آنجا هستند – تعرض انجام میگردد! تعرض غیر از فسق توافقی است. حالا آن فسق توافقی به جای خود؛ علاوه بر آن، تعرض زورکی هم انجام میگردد؛ یعنی نه فقط چشم و دل سیر نشده، حرص و هوس در بین آنها صد برابر شده. لذاست که امروز شما نگاه میکنید در محیط غرب، تجارت جنسی هست، برده‌داری جنسی هست، شکستن همه‌ی حد و مرزهای اخلاقی و انسانی هست، عرفی کردن و قانونی کردن چیزهایی [هست] که در همه‌ی ادیان حرام است. این هم جنس‌بازی و این قبیل حرفها فقط مربوط به اسلام نیست؛ اینها در همه‌ی ادیان جزو محرّمات کبیره است؛ اصلاً اینها را قانونی میکنند، واقعاً خجالت هم نمیکشند! خب، بنابراین یکی از واجبات عملی در جامعه‌ی ما این است که ما از [پیروی] نگاه غربی‌ها به مسئله‌ی جنسیت بشدت اجتناب کنیم.

شما بانوان فرزانه و دانشور و فهیم و باسواد، الحمدلله همه جا هستید و این جمعی که اینجا هستید مشت نمونه‌ی خروارید، یعنی یک گل از یک گلستان بزرگ هستید؛ در سراسر کشور بحمدالله بانوان فهمیده، سنجیده، درس‌خوانده، بااطلاعات، خیلی زیادند، الحمدلله. همان امیدی که ما داشتیم که این دخترهای جوان مؤمن رشد میکنند، تبدیل میشوند به بانوان عالم و دانشمند، بحمدالله برآورده شده. یکی از کارهای مهمّ شما همین است که فاجعه‌آمیزی نگاه فرهنگ غربی به مسئله‌ی جنسیت و مسئله‌ی زن را افشا کنید، به همه بگویید؛ بعضی‌ها نمیدانند. در داخل کشور خودمان هم بعضی‌ها نمیدانند، در بیرون هم خیلی‌ها نمیدانند؛ در کشورهای اسلامی [خیلی‌ها] نمیدانند. کشورهای اسلامی تشنه‌ی فهمیدن این جور چیزها هستند. آن جاهایی که ما رفته‌ایم و هستیم و حضور داریم و خبرهایش به ما هم میرسد، این جوری است؛ آن وقت کشورهای غربی هم همین جور. امروز خب ارتباطات فضای مجازی خیلی آسان است؛ شماها میتوانید ارتباطات فضای مجازی بگیرید و زمینه‌سازی کنید برای اینکه توجه کنند و این مفاهیم را در قالب گزاره‌های کوتاه و گویا – که هم کوتاه باشد، هم گویا باشد – تنظیم کنید، و بفرستید



برای فهم افکار عمومی این هشتگ‌سازی‌ها و مانند اینها که هست؛ اینها امروز خیلی امکان بزرگی است برای شما که در اختیار شما است. خب این یک نقطه: نگاه اسلام از لحاظ نظری و عملی به مسئله‌ی زن و مرد، و مسئله‌ی جنسیت.

یک نقطه‌ی دیگر در زمینه‌ی مسائل زنان، مسئله‌ی خانواده است که خوشبختانه در صحبت‌های این خانم‌هایی که صحبت کردند، از چند ناحیه، از چند نگاه مطرح شد و خیلی خوب بود؛ من واقعاً لذت بردم از بیاناتشان. ببینید، تشکیل خانواده ناشی از یک قانون عامّ عالم وجود است، قانون عامّ آفرینش است؛ آن قانون عبارت است از قانون زوجیت: *سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ*؛ (۱۰) خدای متعال در همه چیز، در همه چیز - *خَلَقَ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا* - در همه چیز زوجیت قرار داده؛ در انسان زوجیت هست، در حیوانات زوجیت هست، در گیاهان زوجیت هست؛ *وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ*؛ یک چیزهایی هم هست که زوجیت هست، [ولی] ما نمیدانیم. حالا مثلاً در بین سنگها زوجیت چه جوری است، ما نمیدانیم؛ در آینده ممکن است کشف بشود. در بین اجرام فلکی زوجیت هست، چه جوری است، ما نمیدانیم؛ در آینده کشف خواهد شد. ببینید، *سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ*؛ خب، این زوجیت است. این که خواندم سوره‌ی «یس» بود. آیه‌ی دیگر، سوره‌ی «الذّاریات» است: *وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ*؛ (۱۱) زوجیت یک قانون عام است.

من حالا اینجا در پرانتز، باز در حاشیه عرض بکنم، این زوجیت که در نگاه اسلامی این جور واضح است، درست نقطه‌ی مقابل تضاد در دیالکتیک هگلی و مارکسیست است؛ یعنی رکن اصلی این دیالکتیک هگل که بعد هم مارکس از او گرفته، تضاد است که حرکت جامعه و حرکت تاریخ و حرکت بشری ناشی از تضاد است؛ یعنی «تز» و «آنتی‌تزی» وجود دارد که از آنتی‌تزی و تز، سنتز به وجود می‌آید. در اسلام نه، سنتز از آنتی‌تزی به وجود نمی‌آید، از زوجیت به وجود می‌آید؛ از زوجیت است، از ملائمت (۱۲) است، از همراهی است که آن رتبه‌ی بعدی به وجود می‌آید، نسل بعدی به وجود می‌آید، حرکت بعدی به وجود می‌آید، مرحله‌ی بعدی به وجود می‌آید. البته اینها احتیاج به بررسی و کار دارد. این که من عرض کردم، یک نظریه است، یک نگاه است. خب، بنابراین زوجیت، قانون عامّ عالم آفرینش است. این زوجیت در گیاه هم هست، در حیوان هم هست، منتها این قانون ثابت در [مورد] انسان، یک ضوابطی دارد؛ در مورد خصوص انسان ضوابطی معین کرده‌اند. علت چیست که ضوابط معین کرده‌اند؟ چون بدون ضابطه هم میشد زوجیت به وجود بیاید، مثل اینکه بعضی جاهای دنیا بی‌قاعدگی وجود دارد. علت این است که کار انسان از روی انتخاب و اختیار است. حرکت انسان، پیشرفت انسان، بدون انتخاب خودش و اختیار خودش ممکن نیست. باید بتواند این انتخاب و اختیار در یک چهارچوب قرار بگیرد و الا یکی یک چیزی انتخاب میکند، یکی چیز ضدّ او انتخاب میکند، اغتشاش به وجود می‌آید.

برای اینکه در جامعه، در تاریخ، در زندگی بشر نظم برقرار بشود، قانون لازم است. قانون در همه جا هست، در مسئله‌ی زوجیت انسان هم وجود دارد. این باز مخصوص اسلام نیست؛ در همه‌ی ادیان عالم شما نگاه کنید، زوجیت با یک قانونی است؛ در مسیحیت، در یهودیت، [حتی] در بودایی، در جاهای دیگر، ادیان دیگر - تا آنجایی که ما اطلاع داریم - یک قانونی وجود دارد که یک زن و مرد با همدیگر زوجیت پیدا میکنند. بی‌قانونی در اینجا گناه است، جرم است، ظلم است، موجب آشفستگی است، موجب اغتشاش است. خب، این ضوابط، موجب سلامت خانواده است؛ اگر چنانچه این ضوابط رعایت شد، موجب این است که خانواده سالم بشود؛ خانواده که سالم بشود، اجتماع سالم میشود. خانواده سلول تشکیل‌دهنده‌ی اجتماع است؛ خانواده‌ها که سالم شدند، اجتماع سالم میشود.



خب، حالا زن در خانواده، در محیط خانواده، چه کاره است؟ من با توجه به مجموعه‌ی معارفی که در آیات و روایات و مانند اینها هست در ذهن خودم این جور تصویر میکنم که زن، هوایی است که فضای خانواده را انباشته؛ یعنی همچنان که شما در فضا تنفس میکنید، اگر هوا نباشد، تنفس ممکن نیست، زن این جور است؛ زن خانواده به منزله‌ی تنفس در این فضا است. اینکه در روایت هست: *المرأة ريحانة وليست بقهرمانة*، (۱۳) مال اینجا است، مال خانواده است. «ریحانه» یعنی گل، یعنی عطر، بوی خوش؛ همان هوایی که فضا را پر میکند. «قهرمان» در زبان عربی - در «لیست بقهرمانة» - با قهرمان در زبان فارسی فرق دارد. «قهرمان» یعنی کارگزار، کارگر یا مثلاً فرض کنید سرکارگر؛ زن یک «قهرمانه» نیست. در خانواده، این جور نیست که شما خیال کنید حالا زن گرفتید، کارها را بریزید سر زن؛ نخیر. خودش داوطلبانه یک کاری را میخواهد انجام بدهد، [عیب ندارد؛] خانه‌ی خودش است، دلش میخواهد یک کاری را انجام بدهد، انجام داده؛ اگر نه، هیچ کس حق ندارد - مرد یا غیر مرد - او را وادار کند، اجبار کند به اینکه این کار را باید انجام بدهد. پس این [جور] است.

خب، زن در خانواده یک وقت در نقش همسری ظاهر میشود، یک وقت در نقش مادری ظاهر میشود؛ هر کدام یک خصوصیتی دارند. در نقش همسری، زن در درجه‌ی اول مظهر آرامش است: *وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا*؛ (۱۴) آرامش. چون زندگی تلاطم دارد؛ مرد در این دریای زندگی مشغول کار و تلاطم است؛ وقتی به خانه می‌آید، احتیاج به آرامش دارد، احتیاج به سکینه دارد. این سکینه را زن در خانه ایجاد میکند؛ *لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا*؛ [یعنی] مرد در کنار زن احساس آرامش کند؛ زن مایه‌ی آرامش است. نقش زن به عنوان همسر، عشق و آرامش است، همین طور که قبلاً اشاره کردم، این کتابهای همسران شهدا را بخوانید، عشق و آرامش آنجا خوب واضح میشود و نشان میدهد خودش را که این مردی که حالا رفته داخل میدان جنگ - چه دفاع مقدس، چه دفاع از حرم، چه بقیه‌ی میدانهای سخت - چطور در کنار این زن آرامش پیدا میکند و آن تلاطم روحی‌اش فرو می‌نشیند و چطور عامل عشق او را سر پا نگه میدارد، به او جرئت میدهد، به او جسارت میدهد، به او قوت میدهد تا او بتواند کار کند. یعنی زن به عنوان همسر این جور است: مایه‌ی سکونت، مایه‌ی عشق و آرامش و مانند اینها است. حالا این مسئله‌ی سکونت را که گفتم: *وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا*؛ این یک آیه است؛ در یک آیه‌ی دیگر هم «*خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً*» (۱۵) [دارد]. یعنی همان عشق؛ «*رَحْمَةً*» یعنی مهربانی؛ بین زن و شوهر عشق و مهربانی متبادل میشود. نقش زن به عنوان همسر این است؛ این نقش کوچکی نیست، خیلی نقش مهمی است، خیلی نقش بزرگی است. این مربوط به همسری.

در مورد مادری نقش زن، نقش حق حیات است؛ یعنی زن تولیدکننده‌ی موجوداتی است که از او به وجود می‌آیند. این [جور] است دیگر. او است که حمل میکند، او است که وضع میکند، او است که تغذیه میکند، او است که نگهداری میکند. جان انسانها در مشتم مادرها است؛ مادرها به فرزند حق حیات دارند. محبتی که خدای متعال در دل مادر نسبت به فرزند قرار داده، یک چیز بی‌ظنیر است؛ یعنی اصلاً هیچ عشقی از این نوع نیست، به این کیفیت نیست که آن را قرار داده. صاحب حق حیات است، بعد ادامه‌ی نسل؛ مادرها مایه‌ی ادامه‌ی نسلند، یعنی نسل بشر با «مادری» است که ادامه پیدا میکند.

مادرها مایه‌ی انتقال عناصر هویت ملی‌اند؛ هویت ملی یک چیز مهمی است. یعنی هویت یک ملت، شخصیت یک ملت در درجه‌ی اول به وسیله‌ی مادرها منتقل میشوند؛ زبان، عادات، آداب، سنت‌ها، اخلاقیات خوب، عاداتهای خوب، اینها همه در درجه‌ی اول به وسیله‌ی مادر منتقل میشود. پدر هم مؤثر است اما خیلی کمتر از مادر؛ مادر



بیشترین تأثیر را دارد.

افشاننده‌ی بذر ایمان در دلها؛ مادرها هستند که فرزند را مؤمن بار می‌آورند. «ایمان» درس نیست که آدم به یکی درس بدهد یاد بگیرد؛ ایمان یک رویش است، یک رشد معنوی است که بذرافشانی لازم دارد؛ این بذرافشانی به وسیله‌ی مادر انجام میگیرد و مادر این کار را میکند. اخلاق را همین طور. بنابراین نقش [او] فوق‌العاده است.

حالا این دو نقش، نقش مهمی است؛ من بارها گفته‌ام، عقیده‌ام هم همین است، که مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظایف زن هم اینها است. یعنی حالا این خانم گفتند «من یک خانم خانه‌دار هستم»، خوب خیلی خوب است. اصلی‌ترین نقش یک زن از نظر اسلام همین نقش خانه‌داری است منتها مهم این است که خانه‌داری به معنای خانه‌نشینی نیست. بعضی اینها را با هم اشتباه میکنند؛ وقتی میگوییم خانه‌داری، خیال میکنند میگوییم داخل خانه بنشینید، هیچ کار نکنید، هیچ وظیفه‌ای انجام ندهید، تدریس نکنید، مجاهدت نکنید، کار اجتماعی نکنید، فعالیت‌های سیاسی نکنید؛ معنای خانه‌داری این نیست. خانه‌داری یعنی خانه را داشته باشید؛ در کنار داشتن خانه، هر کار دیگری که از عهده‌ی شما برمی‌آید و میل به آن و شوق به آن را دارید میتوانید انجام بدهید؛ منتها همه در ذیل خانه‌داری است. اگر چنانچه امر، یک جایی دائر شد بین اینکه جان این بچه حفظ بشود یا آن کار در اداره انجام بگیرد، جان این بچه مقدم است؛ در این تردیدی دارید؟ نه، یعنی هیچ زنی در این تردید ندارد که اگر جان بچه در خطر بیفتد یا آن کار در اداره در خطر بیفتد، جان بچه مقدم است. اخلاق بچه هم همین طور است، ایمان بچه هم همین طور است، تربیت بچه هم همین طور است. یعنی همان طور که در مورد جان بچه تردیدی ندارید، در مورد تربیت [هم همین طور است]. البته یک جاهایی هست که میتوان با یک شیوه‌ای، با یک شگردی، این به اصطلاح تردید و دوران امر بین این و آن را به یک شکلی حل کرد، یک مواردی میشود حل کرد، اما اگر چنانچه واقعاً دوران بود و چاره‌ای نبود، این مقدم بر آن [کار اداره] است؛ ولیکن [اگر] آن هم کار مجازی است، کار لازمی است، در مواردی ضروری است – یعنی کارهای اجتماعی در یک مواردی فریضه است، وظیفه است، باید انجام بدهید – آنجا خوب باید انجام داد.

البته آنجایی [هم] که فریضه است، بستگی دارد به اینکه اهمیّت این فریضه چقدر باشد. حالا من مسئله‌ی جان را مثال زدم [لکن] گاهی هست که اهمیّت یک فریضه از جان بچه‌ی انسان، از جان همسر انسان، از جان پدر و مادر انسان بالاتر است. لذا شما به امام حسین عرض میکنید: یا بئی ائت و اُمّی؛ (۱۶) پدر و مادرم قربانت. از پدر و مادر چه کسی بالاتر؟ جانشان قربان جان شما. یا در آیه‌ی قرآن [میفرماید]: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ إِبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ» تا بقیه‌ی آن که: «أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا»؛ (۱۷) نباید اینها را بیشتر از خدا و جهاد در راه خدا دوست داشته باشیم؛ یک جاهایی این جوری است. فریضه وقتی که بزرگ شد، عظمت پیدا کرد، حتی بر جان کودک هم ترجیح پیدا میکند؛ لکن در غیر [این] موارد، در موارد عادی، محور وظایف زن، خانواده است و واقعاً هم خانواده بدون حضور زن، بدون فعالیت زن، بدون احساس تکلیف زن، امکان ندارد اداره بشود، و اداره نمیشود؛ بدون زن، اداره نمیشود. یک گره‌های ریزی گاهی در خانواده هست که جز با سرانگشت ظریف زن باز نخواهد شد. مرد هر چه هم قوی باشد و توانا باشد، نمیتواند بعضی از گره‌ها را باز کند. این گره‌های ظریف و گاهی گره‌های کور، جز با سرانگشت ظریف زن بازشدنی نیست. خوب، این هم در مورد خانواده.

البته در مورد مسئله‌ی خانواده هم باز اگر بخواهیم مسائل غرب را نگاه کنیم، فاجعه است؛ فاجعه است! غرب خانواده را متلاشی کرده؛ واقعاً متلاشی کرده. البته حالا من که میگویم متلاشی کرده، معنایش این نیست که در



غرب اصلاً خانواده وجود ندارد؛ چرا، بعضی از خانواده‌ها، خانواده‌های خوبی هم هستند، واقعاً خانواده‌اند؛ بعضی‌ها صورت خانواده است، باطن خانواده نیست. من در یک نوشته‌ی غربی آمریکایی می‌خواندم که زن و مرد برای اینکه بتوانند بچه‌ها را درست ببینند و به اصطلاح خانواده باشند، قرار می‌گذارند که فلان ساعت شما از اداره بیا، خانم هم از اداره بیاید، یک چایی، یک عصرانه‌ای با هم بخوریم؛ یعنی یک ساعت معینی - مثلاً ساعت ۴ تا ۶ - این بیاید، او هم بیاید، بچه‌ها هم که از مدرسه آمدند، بیایند بنشینند یک چایی دُور هم بخورند؛ این میشود خانواده! بعد این برود دنبال کار خودش، آن [هم] برود دنبال شب‌نشینی خودش، دنبال رفاقت خودش؛ اینکه خانواده نیست، صورت خانواده است.

غربی‌ها با انواع و اقسام همین مسائلی که قبلاً اشاره کردم، خانواده را واقعاً متلاشی کردند و [این] به فروپاشی تدریجی خانواده انجامیده که صدای خود متفکرین غربی را هم بلند کرده؛ خیلی از خیرخواهان‌شان، مصلحینشان به این توجه کرده‌اند و فریاد میکنند؛ منتها من گمانم این است که الان چاره‌ای ندارند دیگر؛ یعنی در بعضی از کشورهای غربی، سرازیری جوری تند شده که دیگر قابل توقف نیست، رفتنی‌اند؛ یعنی خانواده‌ها اصلاح‌پذیر نیست. این هم مسئله‌ی خانواده.

چند مطلب دیگر هم هست که متأسفانه دیگر نمیتوانم به تفصیل صحبت کنم؛ یکی مسئله‌ی حجاب است. حجاب یک ضرورت شریعتی است؛ شریعت است؛ ضرورت شرعی است؛ یعنی هیچ تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد؛ این را همه باید بدانند. این که حالا خدشه کنند، شبهه کنند که آیا حجاب هست، لازم است، ضروری است، نه، جای خدشه و شبهه ندارد؛ یک واجب شرعی است که باید رعایت بشود، منتها آن کسانی که حجاب را به طور کامل رعایت نمیکنند، اینها را نباید متهم کرد به بی‌دینی و ضدانقلابی؛ نه. من قبلاً هم گفته‌ام؛ یک وقتی در سفری از سفرهای استانی که میرفتم، در جمع علما گفتم این را؛ (۱۸) علمای آنجا جمع بودند؛ گفتم چرا گاهی بعضی از شما این خانمی را که حالا فرض کنید یک مقداری موهایش بیرون است یا به تعبیر رایج بدحجاب است - که حالا باید گفت ضعیف‌الحجاب؛ حجابش ضعیف است - متهم میکنید؟ بنده وارد این شهر شدم، جمعیت آمدند استقبال؛ شاید اقلاً یک سوّم جمعیت این جور خانمها هستند، دارند اشک میریزند؛ این را نمیشود گفت ضدانقلاب است؛ این چطور ضدانقلابی است که این جور با شوق و با حرارت و با انگیزه می‌آید و مثلاً فرض کنید در فلان مراسم دینی یا فلان مراسم انقلابی شرکت میکند؟ اینها بچه‌های خودمانند، دخترهای خودمانند. من چند بار تا حالا در خطبه‌ی نماز عید فطر این را تکرار کرده‌ام که در مراسم ماه رمضان، در شبهای احیاء - عکس‌هایش را برای من می‌آورند، حالا من که آنجاها را نمیتوانم [بروم] اما تصویرش را برای من می‌آورند - زنها با ریختهای مختلف، قواره‌های مختلف اشک میریزند؛ من حسرت می‌خورم به آن جور اشک ریختن! میگویم ای کاش من هم میتوانستم این جور مثل این دختر، مثل این زن جوان اشک بریزم؛ این را چطور میشود متهم کرد؟ بله، کار درستی نیست، بدحجابی یا ضعف حجاب درست نیست اما این موجب نمیشود که ما این [افراد] را از حوزه‌ی دین و انقلاب و مانند اینها خارج بکنیم و خارج بدانیم؛ چرا؟ البته همه‌ی ماها یک نقصهایی داریم، باید نقصها را برطرف کنیم؛ هر چه بتوانیم برطرف کنیم، بهتر است. این یک مسئله و یک موضوع دیگر که راجع به مسئله‌ی حجاب بود.

یک مسئله که متأسفانه وقت نیست من در این زمینه صحبت کنم، خدمت جمهوری اسلامی به زنان است؛ این نباید فراموش بشود. ببینید، به نظرم هیچ کدام از شماها دوره‌ی پیش از انقلاب را ندیده‌اید؛ ما نصف عمرمان را تقریباً در دوره‌ی قبل از انقلاب گذراندیم. در دوره‌ی پیش از انقلاب، زنان فرزانه، فهمیده، دانشمند، تحصیل کرده، اهل



تحقیق و صاحب پژوهش در زمینه‌های مختلف، انگشت‌شمار بودند؛ این همه استاد دانشگاه زن، این همه پزشک متخصص و فوق تخصص زن، این همه دانشمند محقق در بخشهای مختلف – اینکه می‌گویم بخشهای مختلف واقعاً جاهایی است که خودم رفته‌ام، دیده‌ام، بازدید کرده‌ام – دانشهای پیشرفته، فناوری‌های پیشرفته، زنان دانشمند، زنان فرهیخته آنجا مشغول کار هستند. این در پیش از انقلاب سابقه نداشت؛ این کاری است که انقلاب کرد. این همه دانشجوی دختر، که در بعضی از سالها شما می‌بینید دانشجویهای دختر در آمارها بیشتر از دانشجویهای پسرند. [این] خیلی معنی دارد؛ این همه میل به تحصیل علم.

بعد در میدانهای ورزشی؛ شما ببینید، دخترهای ما می‌روند در میدانهای ورزشی، قهرمان میشوند، طلا می‌گیرند با حجاب اسلامی؛ کدام تبلیغ برای حجاب بهتر از این است؟ تعدادی از این خانمها آمدند آن طلاهایشان را به بنده اهدا کردند. من البته برمیگردانم به خودشان که نگه دارند؛ اما واقعاً من افتخار میکنم به این جور خانمها. در یک میدان بین‌المللی که میلیون‌ها انسان از پشت دوربین‌ها دارند می‌بینند، این دختر ایرانی می‌رود آنجا، مدال طلا را می‌گیرد، پرچم کشورش را بالا می‌برد و آن وقت با حجاب ایستاده؛ تبلیغی برای حجاب بهتر از این، بیشتر از این؟ در بخشهای مختلف، در المپیادهای علمی، در جاهای مختلف، همه جا خانمها پیشرفت کرده‌اند؛ یعنی واقعاً این جوری است. خب حالا اینکه چند نفر از این خانمها گفتند که [خانمها] به کار گرفته نمی‌شوند، از آنها استفاده‌ی عملی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نمی‌شود، بله، این یک عیب است، در این تردیدی نیست، این عیب باید برطرف بشود اما وجود این همه زن فهمیده، فرزانه، دانشمند، محقق، صاحب‌نظر، نویسنده [قابل توجه است]. از این کتابهایی که در شرح حال شهدا و زنان شهدا و خانواده‌ی شهدا است و پیش من می‌آورند، واقعاً من لذت می‌برم، نویسنده‌های اینها غالباً خانمها هستند که از مردها جلوتر رفته‌اند. چه قلمهایی، چه نگارشهایی! شعرای زن، شعرای خیلی خوب. همین شعری که این خانم مجری (۱۹) خواندند، شعر خیلی خوبی بود که مال خودشان هم هست. این هم یک نکته.

و من این را هم اضافه کنم که در این قضایای اخیر، خب دیدید دیگر، علیه حجاب خیلی کار شد؛ چه کسی ایستادگی کرد در مقابل این تلاشها و فراخوان‌ها؟ خود زنها؛ زنها ایستادگی کردند. آنها امیدشان به همین زنهایی بود که شما به آنها می‌گویید بدحجاب؛ امیدشان به اینها بود. اینها امیدشان این بود که همینهایی که حجاب نیمه‌کاره دارند بکلی کشف حجاب کنند، [ولی] نکردند؛ یعنی زدند تو دهن آن تبلیغ‌کننده و فراخوان‌فرستنده.

آخرین مطلبی که عرض میکنم، این است که با همه‌ی حرفهایی که زدیم، با همه‌ی تعریفهایی که کردیم که واقعیت هم دارد، انصاف این است که در جامعه‌ی ما در درون بعضی از خانواده‌ها به زنها ظلم میشود؛ مرد با تکیه‌ی بر توان جسمی خودش، چون صدایش کلفت‌تر است، قدش بلندتر است، بازوهایش کلفت‌تر است، زور می‌گوید به زن؛ ظلم میشود به زنها؛ خب راهش چیست؟ چه کار کنیم؟ خانواده را هم می‌خواهیم حفظ کنیم دیگر؛ راهش این است که قوانین مربوط به داخل خانواده آن‌چنان محکم و قوی باشد که هیچ مردی قادر به ظلم کردن به زنان نباشد؛ بایستی قوانین، اینجا به کمک طرف مظلوم بیایند. البته موارد اندکی هم وجود دارد که عکس قضیه [است]، یعنی خانم ظلم میکند؛ یک مورد این جوری هم داریم؛ البته کم است و بیشتر موارد آن است که قبلاً گفتم. امیدواریم که ان‌شاءالله همه‌ی این موارد اصلاح بشود.

من از این مطالبی که خانمها گفتند استفاده کردم. امیدواریم که ان‌شاءالله همه‌ی این مسائل به بهترین وجهی به



نهایت‌های خیر برسد، و از خداوند متعال برای همه‌ی شما خیر و سلامت و عافیت می‌خواهم.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

۱) پیش از سخنان رهبر انقلاب اسلامی، خانم‌ها: عاطفه خادمی (پژوهشگر و عضو شورای فرهنگی و اجتماعی کشور)، پریچهر جنتی (نویسنده و خانه‌دار)، مریم نقاشان (حقوقدان فعال در محاکم قضایی آلمان)، مهدیه‌سادات محور (برنده جوایز ملی و بین‌المللی سینمای مستند)، شهرزاد زاده‌مدرس (استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)، نگین فراهانی (کنشگر حوزه دختران نوجوان)، سارا طالبی (دکتری علوم ارتباطات و طلبه سطح چهار حوزه علمیه) مطالبی بیان کردند.

۲) از هم جدا کردن

۳) سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵؛ « مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راست‌گو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌دهنده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد میکنند، خدا برای [همه‌ی] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.»

۴) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۹۵؛ «... من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، تباه نمیکنم ...»

۵) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۲۸

۶) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۰

۷) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱

۸) سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۹

۹) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲

۱۰) سوره‌ی یس، بخشی از آیه‌ی ۳۶

۱۱) سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۴۹

۱۲) سازگاری‌سازواری

۱۳) کافی، ج ۱۱، ص ۱۷۰

۱۴) سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۸۹

۱۵) سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۲۱

۱۶) کامل‌الزیارات، ص ۱۷۷ (زیارت عاشورا)

۱۷) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۲۴؛ «بگو: اگر پدران و پسران و برادران و ... نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در

راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید ...»

۱۸) بیانات در دیدار جمعی از فضلا، طلاب و روحانیون استان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۷/۱۹)

۱۹) خانم نفیسه‌سادات موسوی